

یکصدمین سالگرد نهضت جنگل



در نشست یکصدمین سالگرد نهضت جنگل مطرح شد: جنبش جنگل از نظر تاریخی یکی از قیام‌های مهم و تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران است...

در نشست یکصدمین سالگرد نهضت جنگل مطرح شد: جنبش جنگل از نظر تاریخی یکی از قیام‌های مهم و تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران است که در مقطع حساسی از تاریخ ایران و جهان و اندکی پیش از شروع جنگ جهانی اول و زوال امپراتوری تزاری و عثمانی شکل گرفت. در میانه‌ی راه، جنبش نیز شاهد وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه بود. ظهور و خیزش این جنبش بر پایه‌ی اندیشه و آرمانهای برخی از مجاهدان مشروطه بود که با وجود استقرار مشروطیت در ایران، به جهت فشارهای روسیه، انگلستان و دیگر مدعیان داخلی و خارجی، دستاوردهای خود را در خطر تهدید می‌دیدند و برای احیای استقلال ایران به دنبال کاهش نفوذ بیگانگان در ایران برآمدند.

به گزارش ایسنا، نشست آلمان‌ها، بلشویک‌ها، عثمانی، و نقش ترکیب طبقاتی - اجتماعی نهضت جنگل به بهانه‌ی نزدیک شدن به یک صدمین سالگرد پایان این نهضت به صورت آنلاین و با حضور دکتر عباس پناهی (دانشیار پژوهشکده گیلان شناسی دانشگاه گیلان)، دکتر قربانعلی کنارودی (عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی اسناد کتابخانه و آرشیو ملی ایران)، دکتر هومن یوسفدهی (محقق و مدیر موزه خوشنویسی)، دکتر اعظم ریاحی (پژوهشگر و عضو پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر نیره دلیر (مدیر گروه تاریخ سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) برگزار شد.

در ابتدای این نشست، به اهمیت این حوزه‌ی زمانی و برگزاری سده‌های وقایع تاریخی متعدد آن اشاره شد و بر ضرورت تغییر نگاه به کلان روایت‌های رسمی شکل گرفته در میان انبوهی از روایت‌های مطرح شده توجه داده شد که به ایجاد و تقویت نگاه‌های نقادانه برای گشودن افق‌های تازه از طرق مختلف از جمله پژوهش‌های بنیادین و آسیب‌شناسانه به دور از رویکردهای عاطفی منجر می‌شود.

دکتر کنارودی در سخنان خود در زمینه‌ی مناسبات بلشویک‌ها و نهضت جنگل متذکر شد: همکاری نهضت جنگل و بلشویک‌ها به شکل غیررسمی به سال‌های پیش از ورود آنان به انزلی در 28 اردیبهشت 1299 باز میگردد اما پس از ورود بلشویک‌ها به انزلی و مذاکرات و صدور بیانیه‌ی تشکیل جمهوری شورایی در گیلان، اتحاد و همکاری بین آنان به صورت آشکار و رسمی درآمد. این اتحاد و همکاری نه تنها نهضت جنگل را در دستیابی به اهداف منطقه‌ای و ملی کمکی نکرد، بلکه منجر به تضادهای سیاسی - ایدئولوژیکی بین اعضای آن شد و در نهایت موجبات ضعف و سقوط نهضت را فراهم ساخت.

کنارودی افزود: از اسناد و مدارک چنین برمی‌آید، رهبران بلشویک در راستای اهداف ضد امپریالیستی خود مبنی بر مبارزه با انگلستان و همچنین پیشبرد سیاست‌های صدور انقلاب از همان آغاز به صورت سازمان یافته، در صد نفوذ در نهضت و بدست گرفتن رهبری آن بودند. تلاش بلشویک‌ها، به اختلافات سیاسی و ایدئولوژیکی بین جنگلی‌ها منجر شد و عده‌ای از نفوذیهای بلشویک دست به کودتای 14 ذیحجه 1338 برابر با 9 مرداد 1299 علیه رهبری نهضت زدند. این اقدام موجب درگیری‌های متعدد بین انقلابیون و خسارت‌های بسیار به نهضت و مردم منطقه شد و در نتیجه پایگاه اجتماعی نهضت و وجهه‌ی ملی آن در افکار عمومی جامعه و انقلابیون در گیلان و سایر مناطق کشور از بین رفت.

وی در پاسخ به این سؤال که چه شرایط و ضرورت‌هایی موجب نزدیکی و همکاری نهضت جنگل با بلشویک‌ها شد، گفت: مؤثرترین عامل در سوق دادن نهضت جنگل به همکاری با بلشویک‌ها، وضعیت بحرانی آن، پس از جنگ‌های منظم و نامنظمی بود که با انگلیسی‌ها و قوای دولتی انجام داده بود. در اثر این جنگ‌های فرسایشی انقلابیون، مجبور به عقب‌نشینی‌های پیاپی و در نتیجه اختلاف درونی و از بین رفتن رهبران برجسته‌ای چون حاج احمد کسمایی و دکتر حشمت و شمار زیادی از مبارزان شد. از این رو، در آن شرایط بحرانی رهبری نهضت به این نتیجه رسید که به تنهایی قادر به تحقق اهدافش نیست. عامل دیگری که نهضت را به همکاری با بلشویک‌ها ترغیب کرد، رشد بلشویسم در ایران و دلدادگی رهبران و انقلابیون به انقلاب 1917 روسیه و شعارها و برنامه‌های آن بود.

در ادامه‌ی این نشست مجازی دکتر پناهی ضمن بیان مختصری از اهمیت جنبش جنگل و مطالعات آن توضیح داد: جنبش جنگل یکی از مهمترین جریانهای فکری، سیاسی و نظامی اوایل سده‌ی بیستم میلادی در ایران بود، که به دلیل شرایط آن روز دنیا که درگیر در معرکه‌ی جنگ جهانی، بلشویزم و نفت شده بود، به وقوع پیوست. جنبش جنگل (1293-1300 خ/ 1913-1920م) از نظر تاریخی یکی از قیام‌های مهم و تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران است که در مقطع حساسی از تاریخ ایران و جهان و اندکی پیش از

شروع جنگ جهانی اول و زوال امپراتوری تزاری و عثمانی شکل گرفت. در میانه ی راه، جنبش نیز شاهد وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه بود. ظهور و خیزش این جنبش بر پایه ی اندیشه و آرمانهای برخی از مجاهدان مشروطه بود که با وجود استقرار مشروطیت در ایران، به جهت فشارهای روسیه، انگلستان و دیگر مدعیان داخلی و خارجی، دستاوردهای خود را در خطر تهدید می دیدند؛ بر همین اساس برای احیای استقلال ایران به دنبال کاهش نفوذ بیگانگان در ایران برآمدند.

وی افزود: از نظر تئوریک و ایدئولوژی جنبش جنگل، رهبران آن پس از ناکامی مشروطه خواهان و همچنین تبلیغات عثمانی و آلمان جهت اتحاد مسلمانان، به سوی اندیشه ی اتحاد اسلامی جذب شد که مورد توجه ملیون ایرانی بود. در نتیجه میرزا کوچک خان با همکاری برخی از شخصیت های گیلانی، ایدئولوژی اتحاد اسلام را سرلوحه ی برنامه های خود قرار داد. به هر حال هر یک از مدعیان جهانی آن روز با انگیزه های خاص خود در برابر جنبش ایستادند یا این که پنهان و پیدا از جنبش حمایت کردند. موضع انگلستان و روسیه در برابر جنگلی ها آشکار بود. از دیدگاه آنان این جنبش در راستای تهدید منافع آنان شمرده می شد، در نتیجه تمام تلاش خود را جهت فرونشاندن آن با ابزارهای مختلف به کار بردند، اما عثمانی ها، آلمان و دولت تازه تأسیس شوروی حمایت از جنبش با هدف پیشبرد منافع سیاسی و نظامی شان را در سرلوحه ی کار خود قرار دادند.

دانشیار پژوهشکده گیلان شناسی دانشگاه گیلان خاطرنشان کرد: البته این موضوع به معنای آن نیست که جنگلی ها دست بسته در برابر رفقای ایدئولوژیک خود بودند، بلکه رهبران جنبش جنگل، عثمانیها، آلمانی ها و بلشویکها را به عنوان متحد استراتژیک خود می شناختند. چه بسا آنان پس از مشاهده ی رفتار خصمانه و دخالت آمیز عثمانی در امور ایران به ویژه در اشغال مناطق باختری ایران، عثمانی ها را در اردیبهشت 1298 خ. کنار گذاشتند و به بلشویک ها که با وعده های بزرگ به سوی آنان و ملت ایران آمدند، پیوستند. هرچند اینان نیز به زودی برای تأمین منافع خود جنگلی را قربانی منافع بلند مدت خود کرده و حاضر به سازش با انگلستان و دولت ایران شدند.

پناهی در پاسخ به این پرسش که انگیزه ها و اهداف دولتهای خارجی در حمایت از جنبش یا مقابله با آن چه بوده است، گفت: بر اساس این پرسش باید گفت که باوجود استراتژی موفق جنگلی ها در برابر آلمان و عثمانی، تاکتیک ها و تصمیم های راهبردی آنها در برابر انگلیسها و بلشویک ها موفقیت آمیز نبوده است. جنگلی ها می توانستند در صورت انتخاب دیپلماسی راهبردی از شکست منجیل جلوگیری کنند و با وجود دشمنی با انگلیسها از آنها امتیازات خوبی اخذ کنند. زیرا هدف انگلیسی ها سرکوب جنگلی ها نبود، بلکه منظور اصلی آنان دسترسی به چاه های نفت باکو بوده است. از سوی دیگر روابط جنگلی ها با بلشویک ها به دلیل عدم شناخت درست و منطقی آنها یکی از دلایل مؤثر ناکامی و ایجاد انشقاق در درون تشکیلات جنبش و در نهایت شکست و فروپاشی آنها بوده است.

سخنان دکتر یوسفدهی نیز با این پرسش آغاز شد که آلمان ها تا چه اندازه در شکل گیری و استمرار نهضت جنگل نقش داشته اند؟

وی گفت: دو کشور آلمان و عثمانی در آستانه ی جنگ جهانی اول بر آن شدند که منافع دشمنان خود کشورهای روس و انگلیس را در منطقه و به خصوص در ایران و مستعمره اش هندوستان به خطر بیندازند. به همین خاطر حمایت و تأیید مخالفان این دو کشور در ایران و اقدامات مسلحانه علیه منافع آنان در برنامه ی آنان قرار گرفت. یکی از نهضت های مسلحانه که مقارن با جنگ عالم گیر اول در شمال ایران با هدف ضربه زدن به نیروهای متجاوز روسیه ی تزاری و مقابله با دخالتها و تعدیات آن ها شکل گرفت نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک خان و تحت نظر هیئت اتحاد اسلام بود. طبعاً این نهضت و اقدامات آن مورد حمایت دو کشور آلمان و عثمانی هم بود؛ اما انگیزه و توقع این دو کشور از نهضت جنگل یکسان نبود. آلمانها فقط به دنبال آسیب های ایدئانی به نیروهای روسیه ی تزاری بودند، عثمانی ها خواسته های بیشتری داشتند و به دنبال اتحاد نظامی و توسعه ی سیاسی و سرزمینی هم بودند.

وی ادامه داد: این در حالی بود که فعالیت های میرزا کوچک خان و هم رزمانش ذیل وطنخواهی و استقلال و تمامیت ارضی ایران تعریف می شد و همکاری با بیگانگان بر خلاف منافع ملی در آن جایی نداشت. انتظار جنگلی ها حمایت اطلاعاتی و تسلیحاتی بی شائبه و توقعات غیرمنطقی سیاسی بود. برای آلمان ها مواضع جنگلیها قابل قبول بود اما عثمانیها توقع بیشتری داشتند و در عوض حاضر بودند حمایت همه جانبه ی مالی و تسلیحاتی هم داشته باشند؛ پس از این که انتظارات آنان برآورده نشد، کمک های خود را محدود کردند و حتی ارسال سلاح و مهمات را هم موقوف به پرداخت بهای آن کردند. حتی در مقطعی کوشیدند اسلحه و مهمات اهدایی دولت آلمان را هم به جنگلیها بفروشند. تعامل دولت آلمان با نهضت جنگل بسیار منطقیتر بود و در حد امکان از کمک به نهضت جنگل دریغ نداشتند. جنگلیها هم تسهیلات لازم را برای جابه جایی نیروهای آلمانی که بین قفقاز و اردوگاه آلمان در کشور عثمانی در رفت و آمد بودند، در محدوده ی گیلان فراهم میکردند. کشور آلمان در برهه ای تعدادی از افسران خود را برای آموزش و فرماندهی جنگلیها به گیلان فرستادند که در جنگهای مهم جنگلیها با نیروهای مشترک روس و انگلیس در منجیل و رشت شرکت داشتند.

یوسفدهی افزود: با این وجود رفتار میرزا کوچک خان با افسران آلمانی در عین احترام آمیز و دوستانه بودن، براساس منافع ملی بود و برای مثال با آن که این افسران در میان جنگلیها میزیستند اما از میزان تسلیحات و مهمات جنگلیها و محل نگهداری آنها اطلاعی نداشتند. جدا از مقطعی که حضور افسران آلمانی در گیلان به روابط این کشور با نهضت جنگل استحکام بخشیده بود، حضور یک مأمور سیاسی آلمانی به نام گائوک در کنار میرزا کوچک خان فراتر از حمایت یک کشور بیگانه از یک نهضت بود و بیشتر ارادت تمام عیار یک تبعه ی بیگانه نسبت رهبری نهضت جنگل بود که تا هنگام مرگ آن دو را در کنار هم قرار داد.

این محقق نقش آلمان ها را در شکل گیری و استمرار نهضت جنگل جانبی و در حد ارسال محدود سلاح و مهمات و کمک در آموزش نظامی نیروهای جنگل با اعزام افسران آلمانی و اتریشی و در یک مقطع مشارکت این افسران در جنگ با نیروهای انگلیسی برشمرد که به هیچ وجه نقش تعیین کننده ای در راهبرد و روش جنگلیها نداشته اند.

دکتر اعظم ریاحی، پژوهشگر تاریخ ایران معاصر نیز سخنرانی خود را با عنوان تأثیر ترکیب اجتماعی و طبقاتی رهبران جنگل بر عملکرد آنها در انتهای نشست ارائه کرد.

وی بیان کرد: یکی از موضوعات شایان توجه در مبحث حرکت سیاسی، مقوله ی «رهبری حرکت سیاسی» است. در این بحث، دو سوال اساسی مطرح است: چرا این فرد رهبر این حرکت سیاسی محسوب می شود؟ و انگیزه ی او چه بوده است؟ «گی روشه» معتقد است؛ تحت تأثیر عوامل فعال یا عاملان تغییر، یک کنش تاریخی شکل می گیرد به این صورت که فرد یا افرادی در نقش مبشران ایده ها، ارزش ها یا نوآوری هستند و گروهی دیگر نقش مبلغان این ایده ها را عهده دار می شوند. رهبران جنبش جنگل نیز پیام آور ایده و ارزشی بودند که واکنشی بود به فضای سیاسی و اجتماعی آن روز ایران. بر این اساس برخی نقش مبشر و برخی نقش مبلغ را در شکل گیری و تداوم این جنبش ایفا کردند.

در پاسخ به سوال دوم نیز باید گفت، ماکس وبر معتقد است، کنش رفتاری از چهار منبع تغذیه می شود: آداب و رسوم، شرایط روحی و روانی، توجیه عقلانی، ارزش ها. درواقع رفتار هر فرد منبعث از یکی از این چهار منبع است. این چهار منبع دارای عناصری هستند که چارچوب فکری و عملی فرد را تعریف می کنند و طی زمان و در فرآیند مناسبات فرد، در زیست اجتماعی اش از گروه های مختلف اجتماعی کسب می کند.

این محقق ادامه داد: بر این اساس رهبران جنبش جنگل که میرزا کوچک خان به عنوان رهبرکاریماتیک آن نقش مبشر ایده را ایفا می کرد، دارای اصولی بودند. این اصول بر اساس روند زندگی میرزا کوچک خان شامل چهار اصل کلی بود: استقلال طلبی و نفی دخالت بیگانه، ایدئولوژی مذهبی بر پایه ی مفاهیم اسلامی، رفع بی عدالتی به ویژه بر پایه خواسته های طبقات متوسط و فرودست، مبارزه با استبداد داخلی. وقتی این اصول در شرایط آن روز ایران مورد تهدید قرار گرفت، چهار منبعی که ماکس وبر آنها را عامل کنش رفتار معرفی می کنند، رهبران جنگل را به واکنش علیه وضع موجود سوق دادند. این گونه جنبش جنگل شکل گرفت. در طی مراحل مختلف جنبش نیز وقتی عوامل بیرونی با این چهار اصل هماهنگ بودند از سوی رهبران جنگل جذب می شدند و هنگامی که این اصول را به چالش می کشیدند رهبران جنگل آنها را دفع می کردند.

ریاحی این جمع بندی را از سخنان خود ارائه کرد که در واقع مناسبات میرزا کوچک خان با سایر کنش گران در جنبش، تحت تأثیر این چهار اصل و عناصر آنها قرار داشت. تهدید یا تقویت این چهار اصل می تواند رفتارهای جذبی و دفعی میرزا کوچک خان را طی جنبش جنگل توجیه کند.

بنا بر اعلام روابط عمومی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در خاتمه ی نشست دکتر نیره دلیر، دبیر نشست، در جمع بندی به اهمیت نقش الگویی این نهضت در مطالعات تاریخ جنبش های معاصر از منظر مناسبات خارجی، تشکیلات، رفتار سازمانی، رهبری و مواردی دیگر اشاره کرد و به این امر توجه داد که مناسبات بین المللی چه تأثیر عمیقی در سرنوشت بسیاری از این قیام ها، جنبش ها و ... دارد. در حالی که نبود بینش بین المللی و ناآگاهی از فهم سیاست های قدرت های بزرگ مبتنی بر آن، و برقراری مناسبات منطقه ای یا محلی با دیگر قدرت ها یا همسایگان پیرامونی چه تبعات پر هزینه ای را به بار خواهد آورد.